

پـــژوهــش هـــای

ایــــران شنـــاسـی

پــرســـش و پـــاســـخ

پیرامون پیشینه ی تاریـخی فرهنگی تمـدنی ایران

******

نوشتاری از وبگاه ایران شنــاسی

« بازخوانی رباعیات خیام ! »

نوشته ی دکتر محمودرضا افتخارزاده

www.iranologi.blogfa.com

www.fehresteasar.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

*****



بازخوانی

رباعیات حکیم عمرخیام



روز بزرگ داشت خیام گرامی باد

***

گزیده ای از مقدمه ی کتاب:

بازخوانی رباعیات خیام

(فروفکنی پرده های تیره و تار از تارک زیبای زندگی)

نوشته ی محمودرضاافتخارزاده

چاپ نخست :۱۳۹٤خورشیدی

کلامِ منظومِ خیّام!

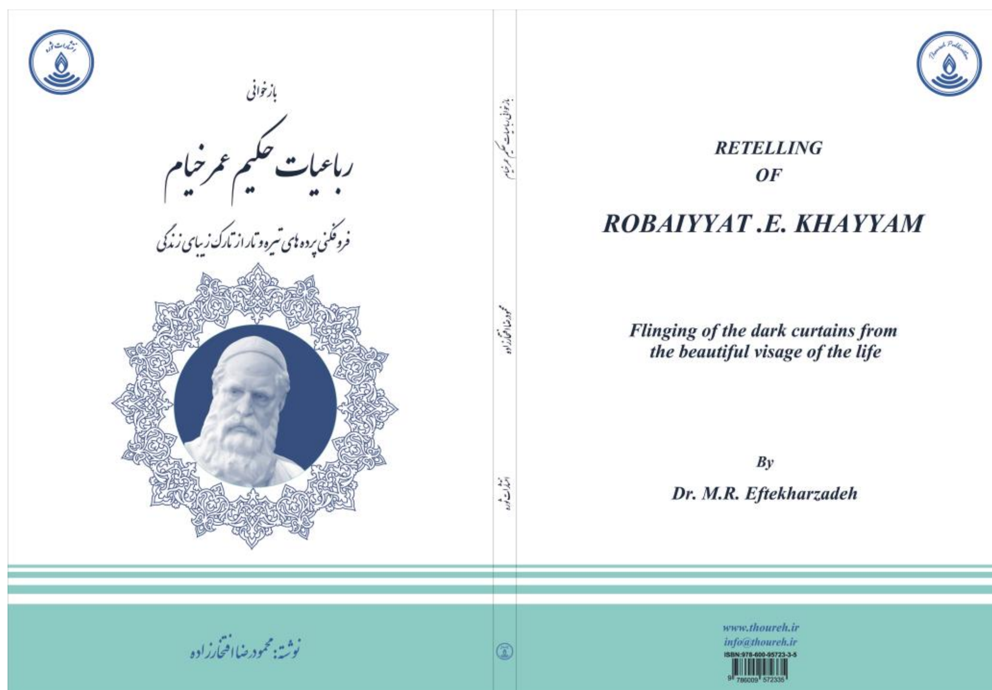
«....کلامِ منظومِ متکلّم، فیلسوف و حکیم عمر خیّام نیشابوری که در افواه خواصّ و بر سر زبان عوام النّاس به رباعیات شهره گشته، از آغاز در عرصه‌های شریعت، طریقت، فلسفه، کلام و عرفان، همواره موضوع اندیشه؛ نقد، نفی، انکار و جَدَل جهانی بوده و هست! آن سان که در کیفیّت و کمیّت این کلام منظوم یا رباعیّات، اختلاف بسیار است!در کیفیت و کمیّت رباعیات خیّام، سخن بسیار است. این اختلاف کیفی و کمّی از دیرینه‌ترین ایّام تاریخ مطرح بوده است! برخی رباعیات خیّام را هفتاد و شش رباعی و برخی دیگر یکصد و پنجاه و هشت رباعی دانسته‌اند......این اختلاف کیفی و کمّی رباعیات ناشی از چیست؟! گویا تاکنون کسی به این پرسش پاسخ نداده است! واقعیت این است که خیّام رسالتی داشته که باید به انجام می‌رسانده، وی با سرشت شعر خیز و خُلق و خوی شعر جوی این قوم و به پیشینه‌ی بلند باستانی تاریخی او به درستی آگاه و دانا بوده و می‌دانسته که این تنها شعر است که در حافظه‌ی تاریخی این قوم می‌ماند! از همین رو حضرت «زرتشت»، پیامش را به شعر می‌سرود بی آن که شاعر باشد! و «اوستا» از آغاز تا انجام متنی منظوم است! خیام نیز که به معنای فنی و حرفه‌ای کلمه، شاعر نبود پیامش را به شعر بیان کرد! شعری که من آن را «کلامِ منظومِ خیامی» می‌نامم! تا در حافظه‌ی تاریخی این قوم بماند و نسل به نسل منتقل گردد! خیام بند از زبان این قوم که دچار گنگی تاریخی شده بود گشود و دیگران بر همان اوزان و معانی و مفاهیم، اشعاری سرودند و از شرمِ شریعت و بیمِ جان و ننگِ نام، به حسابِ خیّام گذاشتند! این است که می‌بینیم اوزان رباعیّات دارای مراتب گونه‌گون است؛ گاه ساده و ناموزون! و دیگر گاه موزون و مُقفّاست! و این نشان از ردپای شاعرانی دگر دارد که سروده‌اند و دقّ دل گشوده‌اند و به پای خیّام گذاشته‌اند!!بی

گمان هر یک از عالمان شریعت و سالکان طریقت و فیلسوفان و عارفان روزگار، بر پایه‌ی دیدگاه و دریافت خویش از خیّام و رباعیّات او، سخنانی گفته و نوشته‌اند! در این گفتارها و نوشتارها به الفاظ و معانی رباعیّات توجّه شده و داوری گردیده است! آن سان که توده‌های هر عصر و نسل به فراخور فهم خویش، همواره شیفته و شیدای رباعیّات خیّام بوده و آنها را مایه و پشتوانه‌ی پندار و کردار خویش ساخته‌اند!رباعیات خیّام به لحاظ صنایع لفظی و ساختار معانی، از هرگونه استعاره، کنایه، تشبیه، تمثیل، مجاز و ... بدور می‌باشد و در لفظ و معنا، تک بعدی(= perspective) است! بنابراین جای هیچ گونه توجیه، تأویل و تفسیر نداشته و ندارد! از همین رو، همه‌ی مشایخ شریعت بی درنگ در تکفیر خیام و نفی و نهی رباعیّات او، فتوا فرموده‌اند! آن سان که مشایخ و اقطاب طریقت نیز خیّام را تکفیر کرده و او را عارف ندانسته‌اند!تقریباً همه‌ی مشایخ مذاهب اسلامی در تکفیر یا نکوهش خیام کوتاهی نکرده‌اند! این جدال دیرین از همان روزگار خیّام تاکنون ادامه دارد! به ویژه از هنگامی که رباعیات خیّام به زبان تازی ترجمه شده، تکفیر خیام از سوی مشایخ مذاهب اسلامی افزایش یافته است! مشایخ تازی تسنّن، رباعیات خیّام را سرشار از کفر و اباحیگری دانسته‌اند و برخی از این مشایخ با توجه به موقعیت علمی و اعتبار تاریخی خیام که به مثابه یکی از ستارگان درخشان فرهنگ و تمدن اسلامی است، در انتساب رباعیات به او شک کرده و کوشیده‌اند صحّت انتساب را به پرسش بگیرند و در این زمینه کتاب‌ها نوشته‌اند! واقعیت این است که خیّام به خلق صُوَر و فرافکنی معانی و مفاهیم نپرداخته بلکه فروفکنی معانی و نقد و نفی صُوَر کلامی(= Formalism) کرده و از چهره‌ی زندگی پرده برداشته است!.....برای درک و دریافت کلام خیّامی باید به ژرفای انسان و جهان ایرانی رفت و به ترسیم هندسی جهان بینی آیینی کلامی روزگار خیّام پرداخت!نتیجه‌ی این ژرف نگری آیینی، کلامی این است که خیّام به نفی یا انکار حقایق هستی نپرداخته بلکه پرده‌های تاریک آیینی کلامی را فروفکنده و چهره‌ی زیبای زندگی را از پس پرده‌های

تیره و تار پندار و انگار و زنگار قرون و اعصار درآورده و بدین سان اقلیم دوم از اقالیم پنجگانه‌ی حضور در جهان بینی ایرانی گردیده است!محلِ نزاعِ مشایخ شریعت و اَقطاب طریقت با انسان و جهان خیّامی در همین بزنگاه است! این پژوهش به تحریر این موضوع پرداخته است!در سده‌ی معاصر، ژرف‌ترین نگاهِ واژگون به خیّام را زنده یاد صادق هدایت داشته است. دیگر نویسندگان ایرانی معاصر هر چه گفته‌اند از او الهام گرفته واقتباس کرده‌اند! پیداست که هدایت خود از آثار خاورشناسان غربی درباره‌ی خیام و رباعیّاتِ او متأثر بوده است!اشکال کار هدایت در این است که قیاس به نَفس کرده و خیّام را در آینه‌ی وجود خویش یافته! از این رو کوشیده تا خیّام را به انواع عقاید و اقسام باورهای روزگارش نسبت دهد .....این پژوهش نمی‌خواهد گمانه‌زنی کند و خیّام را به عقایدی منسوب یا متهم سازد! چرا که خیّام، حکیمی است فرزانه, قائم به ذات، نهفته در تقدیر تاریخ ایران و اندیشه‌ی ایرانی، که باید به هنگام، ظهور می‌کرد و کرد! آن سان که فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ در تقدیر تاریخی ایران و اندیشه‌ی ایرانی نهفته بودند و به هنگام، ظهور کردند!این پنج رکن اندیشه‌ی انسان و جهان ایرانی؛ فردوسی، خیام، مولوی، سعدی و حافظ، ارکان قائم به ذات هستند و تعلق خاطری به متعلّقات ذهن ندارند! برخلاف دریافت‌های زنده یاد صادق هدایت، خیام نه مرتد است و نه دهری و نه لااُبالی! نه مادی است و نه مُلحد و نه مؤمن! نه هرزه است و نه دچارِ عُقده‌های جنسی و احساسِ کهتری، نه معتاد به الکل است و نه دچار دود و دَم! نه دشمنِ دین است و نه منکر آیین! نه حسرت زده‌ی روزگار ساسانی است و نه نفرت زده‌ی دوران اسلامی! آن سان که فردوسی نه ناسیونالیست بود و نه دشمن نژاد تازی و ترک! خیّام، خیّام است! آن سان که فردوسی، فردوسی است! نه زیاد و نه کم! خیّام تنها فروفکنِ پرده‌ها از تارکِ زیبای زندگی است و یکی از سخنگویان پنجگانه‌ی اندیشه ناب ایرانی! همین و نه جز این! در عین حال هیچ کس را نسزد تا عناوین و القاب علمی و اخلاقی را که تاریخ به خیّام داده و برایش ثبت کرده، چون: اَلزّاهد،

اَلحافظ، اَلفقیه، اَلحکیم، اَلعالم، اَلفیلسوف و ... را از وی سلب و نفی کند! در این پژوهش، تنها به همان هفتاد و شش رباعی خیام استناد جسته‌ام که انتساب آنها به وی نزدیک به یقین است!».

***



***



اَلـدِّراســاتُ الايــرانيِّــة

اَسْــئلة و اَجْــوبَــة

حَوْلَ خَلْفيّةِ ايرانَ اَلتّاريخيّة والثّقافيّة والْحضاريّة

للباحثِ الكاتب و المترجم الايرانى

الدكتورمحمودرضاافتخارزاده

****

IRANOLOGY

QUESTION & ANSWER

About historical , cultural & civilizational background of Iran

www.iranologi.blogfa.com

www.fehresteasar.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

BY

DR.M.R.EFTEKHARZADEH

Iranian writer , Researcher & Translator

***